

## آسیب شناسی سیاست ها و روش های تأمین منابع مالی اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان

مریم سپیانی<sup>۱</sup>، زهره متقی، علی علوی نژاد

۱- دکترای تخصصی مدیریت، دبیر آموزش و پرورش شهرستان فریدونشهر

msepyani124@yahoo.com

۲- رئیس گروه تحقیق پژوهش اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان

۳- رئیس آموزش و پرورش شهرستان فریدونشهر

## چکیده

امروزه قابلیت و قدرت انعطاف عملیاتی یک نهاد تا حد زیادی به توانایی های بالقوه و بالفعل آن نهاد در دسترسی و رابطه با منابع مالی بهینه بستگی دارد. به عبارت دیگر شرکت آن کاه می تواند از فرصت های سرمایه گذاری به نحو مطلوب استفاده کند، که به موقع بتواند از منابع مالی متناسب بهره من شود و با کسری نقدینگی روبرو نشود. هدف از پژوهش حاضر آسیب شناسی سیاست ها و روش های تأمین منابع مالی است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی و به صورت نظریه پردازی داده بنیاد نسخه استراوس و کوربین است، در این روش محقق از تحلیل داده های خود به یک نظریه می رسد و الگوی پارادایم این روش شامل ۶ مقوله اصلی (استراتژی، شرایط علی، شرایط مداخله گر، بستر، پیامدها، طبقات) است. جامعه پژوهش حاضر شامل خبرگان حوزه منابع مالی است که از طریق روش نمونه گیری هدفمند نمونه های تحقیق انتخاب شد. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود و گردآوری داده ها تا رسیدن محقق به اشباع نظری ادامه یافت و مدت زمان هر مصاحبه ۳۰ دقیقه بود. ابزار تحلیل داده ها از روش کدگذاری سه مرحله ای (باز، محوری و گزینشی) بود. یافته ها نشان داد روش های گوناگونی جهت تأمین منابع مالی وجود دارد و با توجه به هر نهاد روش تأمین و آسیب های ناشی از هر روش باید با کمترین هزینه و متناسب با هر نهاد صورت بگیرد، با توجه به ماهیت اکتشافی کار کیفی روش های مختلفی ارائه شد. نتایج تحقیق به این صورت بود که هنگام نیاز به منابع مالی جدید می توانند از طریق استقراض و یا پیش دریافت خدمات، منابع مورد نیاز خود را تأمین نمایند. جهت تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مصاحبه محقق از نرم افزار طبقه بندی داده های کیفی ان ویوو<sup>۱</sup> نسخه ۱۰ استفاده شد.

واژگان کلیدی: منابع مالی، روش های تأمین منابع مالی، آسیب شناسی، تحقیق کیفی

## مقدمه

موضوع تأمین منابع مالی آموزش و پرورش از جمله موضوعاتی است که در سال های اخیر توجه زیادی را به خود جلب نموده است. تقریباً در کلیه کشورها آموزش و پرورش توسط هر دو بخش دولتی و خصوصی ارائه می شود، بنابراین آموزش و پرورش یک کالای عمومی خالص به شمار نمی آید زیرا اصل استثنای پذیری با ممانعت از ورود دانش آموزی که نمی تواند به یک موسسه آموزشی شهریه بپردازد، به آسانی در مورد آن قابل اعمال است. آموزش و پرورش تقریباً در کلیه کشورها منابع قابل ملاحظه ای را به مصرف می رساند و بین ۶ تا ۱ درصد تولید ناخالص ملی را شامل می شود و فرض عمومی بر این است که تدارک سطح حداقل معینی از آموزش و پرورش برای دست یافتن به نرخ قابل قبول رشد اقتصادی در هر کشوری ضرورت دارد. توزیع فرصت های آموزشی بین گروه های مختلف برای عدالت اجتماعی پی آمدهایی دارد در نتیجه حجم عظیم مجموعه ای فعالیت های آموزشی در یک کشور به علت آن تدارک چنین فعالیتی آموزش و پرورش بر رشد اقتصادی و توزیع در آمد تأثیر می گذارد (رامه، ۱۳۸۹).

<sup>۱</sup>. Nvivo